

فهرست کتاب

مقدمه نویسنده.....	۴
درسگفتار اول.....	۱۱
درسگفتار دوم.....	۲۲
درسگفتار سوم.....	۴۲
درسگفتار چهارم.....	۵۷
درسگفتار پنجم.....	۸۲
درسگفتار ششم.....	۱۰۷
درسگفتار هفتم.....	۱۲۰
درسگفتار هشتم.....	۱۳۶
درسگفتار نهم.....	۱۵۸
درسگفتار دهم.....	۱۷۷
ضمائم.....	۱۹۹
سالک مدرن، لمس حضور و تجربه ملال.....	۲۰۰
از حریم زمان سوزی تا قربت زمانیدن.....	۲۴۰
از صدق مطابقتی تا صدق «اقناعی-روایی».....	۲۴۳
شایگان، سالک مدرن و سلوک در کناره‌ها.....	۲۶۱

۲ | سروش دباغ

- ۲۶۷..... مرگ گاهی ریحان می‌چیند.....
- ۲۷۰..... جوانمردی، دیالکتیک «صلح با خلاق»؛ (فرهاد مشکور).....
- ۳۰۲..... سکوت و امکان معنا (فرهاد مشکور).....
- ۳۳۱..... کجای این شب تیره؟.....
- ۳۳۵..... گناه نابخشودنی خیانت.....
- ۳۳۸..... جاهلان سرور شدستند.....
- ۳۴۱..... در باب دوگانه وطن‌فروشی/وطن پرستی.....
- بیانیه جمعی از روشنفکران، نویسندگان و فعالان مدنی ایرانی در محکومیت تجاوزگری اسرائیل..... ۳۴۸.....
- بیانیه ۸۳۰ تن از کنش‌گران سیاسی، مدنی و فرهنگی در حمایت از طرح سیاسی میر حسین موسوی..... ۳۵۱.....
- روزنه گشایان و سلوک سیاسی میر حسین متأخر..... ۳۵۳.....
- فهرست اعلام..... ۳۵۶.....

در گذرگاه زمان | ۳

مقدمه

سالهاست دلمشغول بازخوانی و روایت‌گری میراثِ ستبرِ حکمی-ادبی-عرفانیِ پسِ پشت هستم. در این میان، به قدر وسع، آثارگفتاری و نوشتاری متعددی سربرآورده و پیش روی مخاطبان و علاقه‌مندان قرار گرفته است. پس از انتشار اثر دو جلدی «شمه‌ای از شوریدگیِ شمس» که صورت منقح، بازنویسی شده و به آب ویرایش شسته شده درسگفتار سی جلسه‌ای «میراثِ شمس تبریزی» با محوریت اثر گرانسنگ «مقالات» شمس تبریزی بود؛ حال نوبت به یکی دیگر از بزرگانِ سنتِ عرفان خراسانی رسیده است.

درسگفتار بیست و هشت جلسه‌ای «بازخوانی میراثِ بوسعید ابی‌الخیر»، با محوریت اثر خواندنی «چشیدن طعمِ وقت» بوسعید و با بهره بردن از آثار گرانسنگی چون «تذکره الاولیا» و «اسرار التوحید»، در بازه زمانی ده ماهه تیرماه ۱۴۰۱ تا فروردین ماه ۱۴۰۲ برگزار شد. همچون درسگفتار «میراثِ شمس تبریزی»، در این دوره، فقراتی از سخنان نغز بوسعید را اختیار و انتخاب کردم و به بازخوانی، بازآفرینی و روایت‌گری آنها در اینجا و اکنون پرداختم. روزگاری که مشغول گشت و گذار در بوستانِ بوسعید بودیم، جنبش مبارک «زن، زندگی، آزادی» در کشور سربرآورد و همه ایرانیان را، در داخل و خارج کشور، در آن دوره چهار ماهه به خود مشغول کرد. به همین سبب، در ابتدای جلسات این درسگفتار، به اقتضای عمل به وظایف مدنی و شهروندی، به تحولات آن روزهای پرتاب و تاب می‌پرداختم.

در گذرگاه زمان | ۵

اکنون، «در گذرگاه زمان: گشتی در بوستان بوسعید»، که نسخه منقح و ویراسته این درسگفتار است، پیش روی مخاطبان قرار گرفته است. به پیشنهاد ویراستار محترم، در این نسخه، سخنان ابتدایی یاد شده جهت حفظ یکدستی و انسجام بیشتر مطالب حذف شده است. دو گانه «زمان-بر» / «زمان-در»، همچنین «سالک آستانه نشین»، از مفاهیمی است که طی برگزاری این درسگفتار، جوشید و بر زبانم جاری شد؛ چنانکه دو گانه «سلوک افقی» / «سلوک عمودی»، در ایامی که درسگفتار «قصه‌های شیخ اشراق» را القاء می‌کردم، سربرآورد. از اینرو، «در گذرگاه زمان» را می‌توان ایستگاه بعدی سفر پر نشیب و فراز «طرحواره‌ای از عرفان مدرن» / «سلوک اگزیستانسیل در روزگار کنونی» انگاشت؛ سفری که از ابتدای دهه نود سده پیشین خورشیدی آغاز گشته، منازل متعددی را درنور دیده، محصولات و فراورده‌های رنگارنگی را به بار آورده و عمر و قدمتی ۱۴ ساله دارد.

در بخش ضمایم «در گذرگاه زمان»، مطالب و جستارهای سیزده گانه‌ای گنجانده شده که به فهم بهتر گشت و گذار نگارنده در بوستان بوسعید و توسعا حدود و ثغور «سلوک اگزیستانسیل در روزگار کنونی» مدد می‌رساند.

"سالک مدرن، «لمس حضور» و تجربه ملال"، متکفل بحث از مقوله «ملال» است و بدست دادن راهکارهایی پنج گانه برای کاستن از حجم آن. دو گانه «زمان در» / «زمان بر»، همچنین سه گانه «سکوت اخلاقی / سکوت عرفانی / سکوت معنوی» در این میان بکار گرفته و بسط داده شده‌اند. نوشتار "از حریم زمان سوزی تا قربت زمانیدن"، پس از آن در می‌رسد و تشابه و تفاوت میان مفهوم زمان و «زمانیدن» در کتاب «حریم علف های قربت» و جستار "سالک مدرن، «لمس حضور» و تجربه ملال" را بر می‌رسد و روایت می‌کند.

۶ | سروش دباغ

"از صدقِ مطابقتی تا صدقِ «اقناعی-روایی»" پس از این سر بر می‌آورد. هر چند این جستار محتوای فلسفی دارد و سلوک فلسفی نگارنده و تطور آراء او درباره مفهوم «صدق» طی دو دهه گذشته را به تصویر کشیده، در عین حال ارتباط وثیقی با حال و هوای کارک «سلوک اگزیستانسیل در روزگار کنونی» دارد و یکی از ستونهای آن بحساب می‌آید. توضیح آنکه، صدقی که با «بازی-زبانی»، «روایت گری»، «قدرت اقناعی» و «آشکارگی هستی در زبان» گره خورده و تبار ویتگنشتاینی-فوکویی-هایدگری دارد، مجال را برای بروز و ظهور «شبنانی وجود» و تفکر غیر متافیزیکی که از مقومات سلوک اگزیستانسیل اند، فراهم‌تر می‌کند.

"شایگان، سالک مدرن و سلوک در کناره‌ها"، مروری است بر کتاب خواندنی «شایگان و سلوک در کناره‌ها»، نوشته محمد منصور هاشمی. این نویسنده، پیشتر در کتاب «آمیزش افقها: منتخباتی از آثار داریوش شایگان»، از تعبیر بصیرت‌زای «سالک فضاها» بینابین، برای نامیدن این متفکر فقید استفاده کرده؛ در این اثر هم از تعبیر «سلوک در کناره‌ها» بهره برده است. هر چه پیشتر آمده‌ام، وجه تسمیه «سلوک» و تفاوت و تشابه میان مفاهیم «عارف» و «سالک» بر من بیشتر نمایان گشته و مفاهیم «سالک مدرن/سالک سنتی»، «سلوک افقی/سلوک عمودی»، «سالک آستانه نشین» و «سلوک اگزیستانسیل» بر زبان و قلم‌ام ریزش کرده و ربط و نسبت و تشابه کارک‌های فکری‌ام با زیست-جهان شایگان را بهتر دریافته‌ام.

"مرگ گاهی ریحان می‌چیند"، روایت گر شیوه مرگ ناگهانی همکار روان درمانگر کانادایی‌ام، ارین برک است؛ روی در نقاب خاک کشیدنی که تداعی کننده «مرگ آگاهی» و بر جای نهادن زمین سوخته برای مرگ در «سلوک اگزیستانسیل» است.

پس از آن نوبت به دو جستار خواندنی "جوانمردی، دیالکتیک «صلح با خلاق»" و "سکوت و امکان معنا: سکوت اگزیستانسیل در چارسوی هرمنوتیک"، نوشته فرهاد

در گذرگاه زمان | ۷

مشکور می‌رسد؛ جستارهایی که بر وضوح و غنای مفاهیم «جوانمردی» و سه گانه «سکوت معنوی / سکوت عرفانی / سکوت اخلاقی» در کارک «سلوک اگزیستانسیل» در روزگار کنونی، به نیکی می‌افزاید.

در دهه سوم خرداد ماه امسال، ارتش اسرائیل به خاک کشور عزیزمان حمله کرد و از پی آن جنگی دوازده روزه درگرفت. سوگمندان، بیش از هزار نفر از هموطنان ما طی این تجاوز آشکار و جنگ خانمانسوز پریپر شدند و جان باختند. چنانکه در جستار «سلوک عرفانی و امر سیاسی» آورده‌ام،^۱ «عرفان مدرن / سلوک اگزیستانسیل» به روایت نگارنده، با امر سیاسی و آنچه در شهر (پولیس) و میان مردمان می‌گذرد، ارتباط وثیقی دارد.^۲ سالک مدرن، دلمشغول کاستن از حجم درد و رنج شهروندان پیرامونی و افزایش «خیر عمومی» است. در ایامی که بوی باروت و گلوله و خون همه جا را آکنده بود، همچنین در هفته‌هایی که آتش بس برقرار گشته، به قدر وسع، در کسوت یکی از اهالی فرهنگ و قلم این مرز و بوم، در این باب کنشگری کرده، قلم زده و سخن گفته‌ام.

جستارهای «کجای این شب تیره؟»، «گناه نابخشودنی خیانت»، «جاهلان سرور شدستند»، «روزنه گشایان و سلوک سیاسی میرحسین متأخر» و «در باب دوگانه وطن فروشی / وطن پرستی» که محصول این روزهای پر تب و تاب، غمناک و غبار آلودند، در ادامه در رسیده‌اند. حسن ختام بخش ضمایم کتاب، دو بیانیه ای است که طی یک ماه گذشته، در ایام جنگ و دوران آتش بس امضا کرده‌ام.

^۱ سروش دباغ، «سلوک عرفانی و امر سیاسی: طرحواره‌ای از عرفان مدرن ۵۰»، در *آبی دریای بیکران*:

طرحواره‌ای از عرفان مدرن، تورنتو، نشر سهروردی، ۱۳۹۷.

^۲ در همین راستا، اخیراً درسگفتار بیست و پنج جلسه‌ای «در هوای بوستان سعدی» را، با محوریت اثر گرانشنگ «بوستان» و تأکید بر باب «در عدل و تدبیر رای» آغاز کرده‌ام.

۸ | سروش دباغ

«زبخت خفته ملولم»^۱؛ از جان جهان به نیایش می خواهم سایه شوم جنگ که بر سر هموطنان ام سنگینی می کند، از میان رخت بریندد و مام میهن مجددا روی امنیت را به خود ببیند.

ناگفته نگذارم که تمام جستارهای بخش ضمایم، پیشتر در دو سایت «دین آنالین» و «زیتون» منتشر شده‌اند. اگر نبود زحمات بی‌دریغ ویراستار عزیز، حسین جمالی پور، این اثر بسامان نمی‌شد؛ از او سپاسگزارم. در نهایی شدن جستارهای بخش ضمایم، از ملاحظات و نکته‌سنجی‌های رهگشای دوستان نازنین، فرهاد مشکور و محمد منصورهاشمی بهره بردم؛ از ایشان ممنونم. همچنین، ارج می‌نهم زحمات احسان خانمحمدی، سینا بابلی و سپهر زارع، مدیر فرهنگ دوست نشر «سهروردی» را برای نشر این اثر.

«در گذرگاه زمان»^۲، از پی «شمه‌ای از شوریدگی شمس»، «از خیام تا یالوم»، «سرشاری خوشه زیست» و «در کشاکش رنج و معنا» سر بر می‌آورد و پیش روی

^۱ اشاره به یکی از ابیات نغز حافظ:

ز بخت خفته ملولم بود که بیداری
به وقت فاتحه صبح یک دعا بکند؟

^۲ در نهایی کردن عنوان کتاب، واژه «گذرگاه» را از اشعار حافظ وام کرده‌ام:

در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است
صُراحی می‌ناب و سفینه غزل است
جریده رو که گذرگاه عافیت تنگ است
پیاله گیر که عمر عزیز، بی بدل است

چند سال پیش نیز در بر ساختن و بکار بستن مفهوم «گذارطلبی» و صورتبندی آن در جستار «گذارطلبی؛ برون رفت از انسداد سیاسی»، از اشعار حافظ الهام گرفتم:

ز زیر زلف دوتا چون گذر کنی بنگر

در گذرگاه زمان | ۹

مخاطبان قرار می‌گیرد. امیدوارم خواننده کتاب که چند صباحی ست در سپهر لاجوردی «سلوک اگزستانسیل در روزگار کنونی» سیر کرده، دم زده و زیر و زبر گشته، با پای نهادن در بوستان بوسعید، «به وسعت تشکیل برگها» و «خلوت ابعاد زندگی» برود و «در حرارت یک سیب دست و رو» بشوید، «ارتباط گمشده پاک» و روح نوازی را تجربه نماید، «در حوضچه اکنون» آبتنی کند، «زمان-در» را بجشد، «سکوت معنوی» و «لمس حضور» را مزه مزه کند و هم نورد افقهای دور گردد:

«عبور باید کرد

و هم نورد افقهای دور باید شد

و گاه در رگ یک حرف خیمه باید زد

عبور باید کرد

و گاه از سر یک شاخه توت باید خورد.»^۱

سروش دباغ

تورنتو، مرداد ماه ۱۴۰۴

که از یمین و یسارت چه سوگوارانند

گذارکن چون صبا بر بنفشه زار و ببین

که از تطاول زلفت چه بیقرارانند

^۱ سهراب سپهری، هشت کتاب، دفتر «مسافر».